

## دادوستد سهام از دیدگاه شریعت اسلام

**نگارنده:** فضل الرب فقیهی \*

### چکیده

با نگاه به منشأ ظهور سهام، کثرت رواج آن و وجود ماهیت یا اوصاف غیرشرعی در اصدار و تداول آن، سه دیدگاه فقهی در فقه معاصر تبیین شده است. آنچه در مورد این دیدگاه‌ها ناپیداست، اثر عملی آن‌ها بر وضع اقتصاد عامه است. پرسش این است که کدام یکی از این نظریات می‌تواند، به‌تر فقه اسلامی را آیین‌داری کند و موجب بهبود وضع اقتصاد عامه گردد؟ گرچه بازار بورس در افغانستان هنوز وجود ندارد؛ اما شرکت‌های سهامی در کشور انکارناپذیر است؛ از سویی تجمیع سرمایه‌های پراکنده، سرمایه‌گذاری‌های کلان را میسر می‌سازد و تأثیرات به‌سزای بر وضعیت اقتصادی و اجتماعی و آبادانی کشور می‌گذارد و تحقیق پیرامون وصف شرعی معاملات سهام را باارزش می‌نماید. این تحقیق از نوع بنیادی با روش تحلیلی-توصیفی و با استفاده از منابع کتاب‌خانه‌یی، در پی این بوده‌است تا به ارزیابی آرای فقهی پیرامون کیفیت شرعی معاملات سهام بپردازد و نظری را که با نصوص شرعی نزدیک‌تر و مصالح جامعه را به‌تر تضمین می‌کند، معرفی بدارد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهند که: تحریم مطلق خریدوفروش سهام با مقاصد و عمومیت نصوص شرع ناسازگار می‌باشد و موجب جمود و رکود سرمایه‌ها می‌شود؛ همین‌طور جواز مطلق معاملات سهام جایی در فقه اسلامی ندارد؛ چون مغایر صراحت و قطعیت ادله شرع و سبب عدم توازن اقتصادی در جامعه می‌شود؛ با آن‌هم تأسیس شرکت‌های سهامی و معاملات سهام در مغایرت با شرع نیست؛ مشروط بر این‌که در اصل و وصف خود شرعاً مجاز باشد.

**واژه‌گان کلیدی:** سهام، بورس، شرکت سهامی، دادوستد، شریعت و فقه.

ISSN

P: 2788-4155

E: 2788-6441

Received: 26 / 06 / 2021

Accepted: 01 / 11 / 2021

**Bargain of Stocks from the viewpoint of Islamic Sharia****Author:** Fazlurrab Faqih\***Abstract**

With a glance to the origin of appearance of stocks, propagation of their transaction & the existence of illegal attributes in their offer & dealing, there have been specified three juridical viewpoints in contemporary Islamic jurisprudence. The unknown about these views is their practical outcome over public economy. The question is that which one of pointed viewpoints can mirror Islamic jurisprudence & can cause betterment of status of public economy? Although there has been no bourse of stocks in Afghanistan yet, but joint stock partnerships are undeniable. From the other side, the collecting of sporadic capitals facilitates big investments & has sufficient effects on economic & social situation of the country. So study regarding the juridical attribute of bargain of stocks seems worthwhile. This fundamental article, prepared descriptively-analytically using library routine, means to evaluate Islamic legal views around juridical modality of bargain of stocks and specify the viewpoint which is more according to the texts of Sharia & can insure the interests of Islamic society. The discoveries of article shows that absolute prohibition of transaction of shares disagrees the destinations of Sharia & the generality of its texts & causes the solidity & stagnation of capitals. As well as the unlimited permission of transaction of stocks has no place in Islamic jurisprudence; because it opposes the explicit texts of Sharia & causes the lack of economic balance in the society. However the establishing of join stock partnership & transaction of shares is not opposite to Sharia, in case it is permissible in its essence & quality from the view point of Sharia.

**Keywords:** Stocks, Burse, Joint Stock Partnership, Bargain, Sharia & Islamic Jurists.

---

\* Researcher of Islamic Studies and Master of Sharia and Law from Kabul University  
(f.faqihi300@yahoo.com)

## مقدمه

تحولات اخیر جهان در عرصه صنعت، تجارت و استخراج منابع و تکثر نیازها و احتیاجات انسان از یک سو و وجود گزینه‌های متمول در انسان \_ (چنان که قرآن می‌فرماید: *وَإِنَّهُ لِحُبِّ الْخَيْرِ لَشَدِيدٌ*؛ و او علاقه شدیدی به دارایی و اموال دارد) (عادیات: ۸)؛ از سوی دیگر، باعث گردیده تا شرکت‌های سهامی و بازارهای مبادلات سهام ظهور کنند. به دلیل وسعت و بزرگی بیش از حد شرکت‌های تولیدی، خدماتی، تجاری، تعاونی و عدم توانایی افراد محدود در تدارک و تهیه سرمایه لازم برای تأسیس آن، نظریه سهام و شرکت سهامی به منصفه ظهور می‌رسد.

شرکت‌های سهامی گونه‌های مختلفی از سند را صادر می‌کنند، که از آن جمله سند سهم است. سهام صادرشونده از شرکت سهامی نیز انواع متفاوت دارد. این سهام در بازار ویژه، که بورس یاد می‌گردد، خریدوفروش می‌شوند. با مطالعه واقعیت معاملات بورس و اصدار و بیع سهام، معلوم می‌گردد، که گاهی در خریدوفروش سهام، عنصر ربا و نیز غرر و جهالت آمیخته است؛ گرچه بازار بورس به معنای واقعی در افغانستان هنوز وجود ندارد؛ اما شرکت‌های سهامی و معاملات سهام در کشور انکارناپذیر است. تجمع سرمایه‌های پراکنده، سرمایه‌گذاری‌های کلان را میسر می‌سازد و تأثیرات به‌سزایی بر وضعیت اقتصادی، اجتماعی و آبادانی کشور می‌گذارد و تحقیق پیرامون وصف شرعی معاملات سهام را باارزش می‌نماید.

فقه قدیم که محصول اجتهادات فقها متعلق به حوادث و وقایع زمان خودشان است، در مورد سهم و معاملات بورس که تقریباً در قرن شانزدهم در اروپا نشأت کرده و در جوامع اسلامی از موضوعات نسبتاً جدید می‌باشد، تصریحاتی در آن وجود ندارد؛ اما فقه معاصر، تا حد وسیعی به مسایل جدید پرداخته است. بورس و تبادل سهام از این دسته مسایل می‌باشند و فقهای زیادی به این موضوع پرداخته‌اند و در کل سه نظریه فقهی پیرامون اصدار و تداول سهام وجود دارد. امری که ناپیدا مانده، نقش عملی آن‌ها بر وضع اقتصاد عامه است؛ چون این نوشته ظرفیت پردازش و بررسی تمام تحقیقات گذشته را ندارد، ما در این جا تنها به بررسی سه نمونه‌ی از آن بسنده می‌کنیم. کتاب «بورصة الاوراق المالية من منظور إسلامی» تحقیقی است که شعبان محمد اسلام بروراری آن را انجام داده است و در سال ۲۰۰۲ م در دارالفکر در شهر بیروت برای بار نخست چاپ شده است. این پژوهش بازار اصدار و خریدوفروش سهام را از نظر شرعی به بحث گرفته است و به بیان احکام شرعی برخی معاملات بورس پرداخته است. این تحقیق هرچند بکر و تازه است؛ اما در ارائه حکم شرعی مسائلش، کم‌تر به آرای دیگران تماس گرفته و نیز پس از ذکر آرای فقهی در مواردی که به ترجیح یک دیدگاه پرداخته، دلایل دیدگاه‌های دیگران را مناقشه و سبک‌وسنگین ننموده است (نگاه کنید: بروراری، ۲۰۰۲ م: ۱۰۷ - ۱۱۲) و دلیل رجحان نیز مبهم است. «المعاملات المالية المعاصرة» اثر

تحقیقی وهبه زحیلی از فقهای معاصر است. ایشان در این کتاب خویش به تبیین حکم شرعی شرکت سهامی پرداخته است (۱۲۹ - ۱۳۰)؛ و آن را نوعی شرکت عنان خوانده است که در فقه اسلامی مورد اختلاف فقها است؛ اما این امر بیش تر شکل فتوا را داشته و به ذکر آرای دیگر فقها و نقد و مناقشه آن و به ارائه دلایل شرعی حکم بیان داشته شده تماس نگرفته است. ایشان هم چنان حکم شرعی تعامل با سهام را بیان داشته است (۳۷۰)، و تعامل برخی انواع سهام؛ مانند سهام اسمی و عادی را جایز و برخی دیگر مانند سهام ممتاز را نا جایز دانسته است که باز هم به طور مختصر بدان پرداخته و اقوالش مستدل و مستند به دلایل کافی نیست. مهم ترین پژوهشی که در مورد بورس و معاملات سهام انجام شده است، شاید رساله دکترای احمد بن محمد بن خلیل تحت عنوان «الاسهم والسندات واحکامها فی الفقه الاسلامی» است که اثری بکر، محققانه و مفصل می باشد و توسط نشر دار ابن الجوزی در سال ۱۴۲۴ ق برای بار اول در عربستان سعودی چاپ و نشر شده است. این اثر برخلاف دو نوشته پیش تر، به طور گسترده به معاملات سهام و سندات پرداخته و در قریب به کل مسایل مباحث عنها شامل آرای فقهای معاصر و مناقشه دلایل آنها و دیدگاه خود محقق می باشد؛ اما چون به زبان عربی تحریر یافته است، خلای موجود را در این زمینه برای اهل زبان فارسی رفع نمی کند. شایسته ذکر است که نگارنده هیچ تحقیقی در مورد موضوع این مقاله، که با تعمق و اعتماد به مصادر موثق به طور مفصل و همه جانبه به زبان فارسی پرداخته باشد، نیافته است؛ بنابراین، بررسی و مطالعه این مسأله برای رفع نواقص مشارالیه تحقیقات صورت گرفته و برآوردن نیاز جامعه ما در راستای تعامل با معاملات جدید مالی بر مبنای احکام اسلام، ارزش مند می نماید.

به نظر می رسد، تصور برخی فقها از منشأ پیدایی شرکت های سهامی و معاملات سهام مبنی بر این که خاستگاه این گونه شرکت نظام سرمایه داری است، باعث شده تا به تحریم مطلق آن حکم نمایند؛ همین طور مصالح و منافع کلان اقتصادی بی که نتیجه تأسیس شرکت های سهامی و بازار بورس است، بعضی فقها را واداشته تا براساس رعایت مقاصد شرعی، به جواز مطلق آن قائل شوند؛ اما پرسش این است که آیا این دیدگاه ها با رویکرد موسع و مضیق خود می تواند فقه اسلامی را در خصوص این موضوع آیین داری کنند؟ آیا تحریم مطلق معاملات سهام باعث رکود و جمود سرمایه های جزئی نمی گردد؟ بالعکس اباحت بدون قید و شرط عدم توازن اقتصادی را به بار نمی آورد؟ یافته های پژوهش نشان می دهند که: تحریم مطلق خرید و فروش سهام با مقاصد و عمومیت نصوص شرع ناسازگار و موجب جمود سرمایه ها می باشد؛ همین طور جواز مطلق معاملات سهام جایی در فقه اسلامی ندارد؛ چون مغایر صراحت و قطعیت ادله شرع و سبب عدم توازن اقتصادی در جامعه می شود؛ با آن هم تأسیس شرکت های سهامی و معاملات سهام در مغایرت با شرع نیست؛ مشروط بر این که در اصل و وصف خود شرعاً مشروع باشند.

این تحقیق با نوع بنیادی - کاربردی و با روش تحلیلی - توصیفی و با استفاده از منابع کتابخانه‌یی، در پی آن است تا به ارزیابی آرای فقهی پیرامون وصف شرعی معاملات سهام بپردازد و نظری را که با نصوص شرعی نزدیک‌تر و مصالح جامعه را به‌تر تضمین می‌کند، معرفی بدارد.

## مفاهیم پژوهش

### الف. سهم

واژه سهم در لغت به معنای «بهره» است و جمع آن، سهام و سُهْمان و اسهم است (فیروزآبادی، ۲۰۰۵ م: ۱ / ۱۱۲۵). هم‌چنان به معنای «تیری است، که توسط کمان پرتاب می‌گردد و معادل آن در انگلیسی (share) و (portion) می‌باشد» (قلعجی و قنیبی، ۱۹۸۸: ۱ / ۲۵۱).

در اصطلاح فقها «اسمی است که بر جزء شایع از یک چیز» (ابن عابدین، ۱۹۹۲: ۴ / ۵۴۵) اطلاق می‌گردد؛ «و آن جزئی معلوم است؛ از قبیل ثُلث، رُبْع، عُشْر و مانند این‌ها» (کاسانی، ۱۹۸۶: ۵ / ۱۵۳). برخی فقها قید «مشترک» را نیز در تعریف افزوده‌اند؛ یعنی «جزء شائع از شیء مشترک» (قلعجی، ۲۰۰۲: ۵۷) را سهم گویند.

سهم در اصطلاح حقوق وضعی، به دو معنا به کار می‌رود:

۱. به حصه‌یی از سرمایه، که یکی از شرکای شرکت اموال به‌عنوان نصیب خود تقدیم می‌کند تا در شرکت سهیم گردد؛

۲. سند یا چکی که برای شریک به‌منظور اثبات حقتش در شرکت اعطا می‌گردد.

در تعامل بازرگانی معنای دوم بر معنای نخست غالب است (خیاط، ۱۹۹۴: ۲ / ۹۴)، (سنسیر، ۲۰۱۶: ۱۲).

برخی از دانش‌مندان معاصر نیز هر دو معنا را در یک تعریف تضمین نموده و چنین تعریف کرده‌اند: «سهم، جزئی است دارای ارزش مشخص که کل سرمایه شرکت بر آن منقسم می‌گردد و در سند یا چکی که دارای ارزش اسمی است، ثبت می‌باشد» (قلعجی، ۲۰۰۲: ۵۷).

در تعریف سهم برخی علما، نوعیت سهم، برخی روش اثبات، برخی آثار حقوقی آن را منظور نظر داشته‌اند که هر کدام در جای خود می‌تواند مصداق سهم باشد. می‌توان تعریفی از سهم هم ارائه کرد که تمام جوانب و عناصر سهم را در برگیرد؛ چنان‌که دکتر خلیل تعریف نموده است: «سندی است که نصیب یا قسمت عینی یا نقدی‌یی از سرمایه شرکت را، تمثیل می‌کند؛ قابل معامله و دادوستد بوده و به مالک آن حقوق خاصی اعطا می‌نماید» (۱۴۲۴ هـ ق: ۴۸).

آن‌چه در این نوشته از سهم منظور نظر است، سهم به همین مفهوم است؛ یعنی سند سهم، که از سوی شرکت سهامی برای فروش در بازار ویژه (بورس) عرضه می‌گردد و بازرگانان با خرید آن

سهام‌دار شرکت می‌گردند. معادل کلمه سهم به همین معنا در زبان انگلیسی «stock» (سنسیر، ۲۰۱۶: ۱۲) می‌باشد.

### ویژه‌گی‌های سهم

سهم ویژه‌گی‌هایی دارد که آن را از دو نوع دیگر اوراق مالی‌یی که شرکت سهامی صادر می‌کند، متمایز می‌سازد. برای این که موضوع بحث ما با غیر آن آمیخته نگردد و بررسی حکم شرعی بر موضوع بحث وارد گردد، ضرور می‌نماید، این ویژه‌گی‌ها به گونه کوتاه ارائه گردد.

۱. سهام واحدهای با قیمت مساوی‌اند: سرمایه شرکت به سهم‌های با قیمت برابر، تقسیم می‌شود. براین ارزش مساوی سهم، تساوی حقوق و تعهدات سهام‌داران در شرکت می‌باشد؛

۲. سهام واحدهای غیرقابل تجزیه‌اند؛ پس هرگاه در یک سهم بیش از یک سهام‌دار شریک شود، مجاز است؛ اما بایست در برابر شرکت فقط یکی از این سهام‌داران به نیابت از همه، از آن سهم نماینده‌گی نماید؛

۳. سهام با روش‌های تجاری سندهای قابل معامله‌اند؛ یعنی انتقال ملکیت آن از یک شخص به شخصی دیگر به هر یک از روش‌های انتقال ملکیت؛ هم‌چون بیع، هبه، وصیت، ارث، رهن و... امکان‌پذیر است؛

۴. محدودیت مسؤولیت شریکان؛ مسؤولیت شریکان سهام‌دار در برابر تعهدات شرکت به‌اندازه ارزش سهامی که مالک آن می‌باشند، محدود می‌باشد (برواری، ۲۰۰۲ م: ۸۹). سهام در شرکت سهامی می‌تواند قیمت‌های مختلفی داشته باشد که عبارت از قیمت اسمی، تجاری و حقیقی می‌باشد. قیمت اسمی؛ همان قیمتی است که بر روی سند سهم بیان و نوشته می‌شود. مجموع سرمایه شرکت بر اساس همین قیمت محاسبه می‌گردد. این نوع قیمت ثابت می‌باشد. هدف از مساوی‌بودن قیمت اسمی سهم، تنظیم نرخ سهام در بورس، تعیین اقلبیت در مجمع عمومی و تسهیل روند تقسیم سود و فواید شرکت بر سهام‌داران می‌باشد.

قیمت تجاری؛ به قیمت سهم در بورس یا بازار سهام اطلاق می‌گردد. قیمت تجاری سهم به تناسب مقدار عرضه و تقاضا، اوضاع بورس، شهرت شرکت و سلامت مرکز مالی شرکت، تفاوت و تغییر می‌کند.

قیمت حقیقی؛ قیمت مالی سهم است که بعد از تسویه شرکت و تقسیم دارایی آن بر تعداد سهام، مشخص می‌گردد.

### تفاوت سهم با سند قرضه و سند حصص

برای بازشناسی سهم از دیگر اوراق مالی هم چنان لازم است تا تفاوت سهم با دیگر انواع اسناد با ارزش تبیین گردد و ابهام از چهره موضوع بحث، کاملاً برداشته شود. از گونه‌های شرکت معاصر شرکت سهامی است و در مجموع سه نوع اسناد بهادار به بازار صادر می‌کنند (خیاط، ۱۹۹۴: ۲ / ۹۴). این اسناد بهادار قرار زیراند:

۱. سهم؛ سند سهم، نشان‌دهنده میزان مالکیت شریک بر شرکت سهامی است؛
  ۲. سند؛ سند یا وثیقه قرضه، نشان‌دهنده حق داین بر شرکت است؛
  ۳. حصه‌های تأسیس یا حصص ربح؛ سندی است که نشان‌دهنده استحقاق یک فرد یا هیئت بر سود شرکت است، بدون این که در شرکت شریک یا سهام‌دار باشد؛
- «حصص ربح از حیثیاتی از قبیل قابلیت تداول، استحقاق در سود شرکت، عدم قابلیت تجزیه و اسمی بودن یا تعلق داشتن به حامل با سهام شباهت دارد. در مواردی از قبیل این که حصص ربح در تکوین سرمایه شرکت نقش ندارد، حامل آن سهام‌دار شرکت محسوب نمی‌گردد؛ دارای ارزش معین اسمی نمی‌باشد، حامل آن صلاحیت اداره شرکت را ندارد و الغا یا اخراج آن از سوی شرکت ممکن است، با سهام تفاوت دارد» (برواری، ۲۰۰۲ م: ۱۲۰ و ۱۲۱).
- تفاوت سهام با سندات در نکات ذیل قابل ملاحظه‌اند:

۱. سهم از حصه شریک به‌عنوان سهام‌دار نماینده‌گی می‌کند؛ اما سند نشان‌دهنده دین یا قرض بر ذمه شرکت است؛ بدین معنا که صاحب سند نسبت به شرکت یا دولت مقرض یا داین می‌باشد؛
۲. صاحب‌سهم یا سهام‌دار، در صورتی مستحق ربح می‌گردد، که شرکت سود کند؛ اما برعکس، صاحب سند مستحق فایده ثابت سالانه می‌باشد؛ هر چند شرکت ربح کسب نکرده باشد؛
۳. سند اغلب اسمی می‌باشد؛ درحالی که معمولاً سند یا اسمی است یا حامل آن مالکش است (زحیلی، ۲۰۱۶: ۳۶۴).

### سبب پیدایی سهام

در گذشته نسبت به قلت ضروریات و احتیاجات انسان، این نیازها و احتیاجات با کوشش و تلاش‌های فردی یا هم با تأسیس کارخانه‌ها، مؤسسات و شرکت‌های تولیدی و خدماتی بسیط و کوچک قابل رفع و حل بوده است؛ اما امروزه گسترش روزافزون نفوس جهان، منجر به افزایش نیازها و احتیاجات انسانی در روی زمین گردیده است؛ از این رو، برای تدارک و تهیه نیازمندی‌های زیاد انسانی نیاز به کارخانه‌های نسبتاً بزرگ و طویل‌المدت احساس گردید. ایجاد چنین تأسیساتی نیازمند سرمایه و مبالغ زیادی را می‌نمود، که یک یا تعداد محدودی از انسان‌ها از عهده پرداخت آن و

سرمایه‌گذاری برای آن عاجز بودند. این ضرورت اقتضا نمود تا سرمایه‌چنین شرکت‌های بزرگ به واحدهایی با ارزش مساوی، تقسیم گردد، تا هرکس به اندازه توان مالی خود بتواند در تأسیس یا بقا و ادامه کار شرکت سهامی گردد و مالکیت قسمتی را از آن به دست آورد.

به باور اغلب کارشناسان، تاریخچه پیدایی بورس به قرن پانزدهم میلادی باز می‌گردد. در آن زمان بازرگانان به نام بوروژ (Bruges) در شمال غربی بلژیک در میدانی به نام تربورس (TerBeurze) در مقابل خانه بزرگ‌زاده‌یی به نام واندربورس جمع می‌شدند و به خرید و فروش کالاها خود بر اساس حراج می‌پرداختند. از آن به بعد، مکان‌هایی که مردم در آنجا به حراج کالا می‌پرداختند و شکل توسعه یافته و مسقف به خود گرفته را، بورس می‌گفتند. در زمان‌های گذشته بازرگانان هم‌واره به دنبال آن بودند، تا ضرر احتمالی ناشی از تجارت خود را کاهش دهند. شراکت راهی بود که می‌توانست ریسک کسب‌وکار آن‌ها را کاهش دهد و زیان‌های احتمالی کسب‌وکار را بین شریکان تقسیم کند. این تجربه به تدریج به تشکیل شرکت‌های سهامی منجر شد؛ چنان‌که اولین شرکت سهامی به نام ماسکوی (MUSCOVY) در سال ۱۵۵۳ م با مشارکت عده‌یی از تجار در روسیه ایجاد شد (رضاء، ۱۳۹۸ ش: ۸ - ۹).

### گونه‌های سهام به اعتبارات مختلف

بیان احکام شرعی سهام و روش‌های تداول و معامله آن، می‌طلبد تا از نظر علمی اقسام سهام برای خواننده گرامی واضح و روشن باشد، تا در هنگام ارائه حکم شرعی وقتی از انواع سهام تذکری می‌رود، سردرگم و دچار ابهام نشود. سهام به اعتبارات گونه‌گون به انواع مختلف تقسیم می‌گردد؛ به‌طور کوتاه به تبیین آن پرداخته می‌آید:

الف. نظر به نوعیت عین آن چه شریک به‌عنوان حصه خود به شرکت تقدیم می‌کند، به دو گونه است:

۱. سهام عینی: اموالی است غیرنقدی که به شرکت به‌عنوان سرمایه آورده می‌شود؛

۲. سهام نقدی: آن چه نقد داده می‌شود.

ب. از حیث شکل [سند سهام]، به سه نوع تقسیم می‌کنند:

۱. سهام اسمی: آن است که حاوی اسم سهام‌دار می‌باشد و ثابت‌کننده ملکیت وی نسبت بدان

است؛

۲. سهام حامل [غیر اسمی]: آن است که اسم دارنده آن بر آن ثبت نیست؛ بل که در نظر شرکت،

حامل آن صاحب سهام شمرده می‌شود؛



۳. سهام امری [قابل ظهنویسی]: آن است که در برگیرنده امر است؛ یعنی سهم قابل ظهنویسی است؛

ج. از لحاظ حقوقی که برای مالکان سهام مرتب می‌شود، به دو قسم می‌باشد:

۱. سهام عادی: همان است که ارزش مساوی دارد و برای سهم‌داران خود حقوق مساوی اعطا می‌کند؛

۲. سهام ممتاز: آن است که به مالک خود حقوق ویژه‌یی را اعطا می‌کند، که سهام عادی از آن عاری است. این امتیاز به منظور جذب بیش‌تر متقاضیان عرضه آن است. برخی از این حقوق امتیازی قرار زیر اند:

۱. حق کسب سود و فایده ثابت برابر است، که شرکت سود کند یا زیان؛

۲. حق حصول ارزش سهم به‌طور کامل هنگام تصفیه شرکت؛

۳. حق اعطای بیش از یک رأی در مجمع عمومی؛

۴. از نقطه نظر استرداد ارزش اسمی پیش از انتهای شرکت و عدم استرداد آن، نیز به دو گونه تقسیم می‌شود:

الف. سهام سرمایه: به سهامی اطلاق می‌گردد که مسترد کردن ارزش آن از شرکت تا هنگامی که شرکت باقی است، جواز ندارد. در کلیه سهام شرکت اصل بر این است که سهام شرکت، سهام سرمایه تلقی شود؛ زیرا استرداد موجب کاهش سرمایه می‌گردد و این امر حقوق طلب‌کاران شرکت را تضعیف می‌نماید؛

ب. سهام بهره: به سهامی گفته می‌شود که شرکت آن را استهلاک می‌نماید؛ به نحوی که ارزش آن را به سهام‌دار پیش از انتهای شرکت باز می‌گرداند؛ با آن‌هم مالک این سهام، شریک شرکت شمرده می‌شود و حق حصول سود و رأی در مجمع عمومی برایش محفوظ است. این عملیه را استهلاک سهام می‌نامند (شیر، ۲۰۰۷: ۲۰۰ و ۲۰۱).

### مفهوم اصدار سهام

اصدار سهام به عرضه سهام در بورس اطلاق می‌گردد، که توسط شرکت سهامی با روش خاص و از طریق بانک‌ها یا مؤسساتی که به همین منظور تأسیس شده و دارای جواز قانونی باشد، انجام می‌گردد.

«بعد از این که شرکت سهامی تأسیس می‌شود، سرمایه‌اش را به سهم‌هایی که ارزش اسمی آن بر سند آن نوشته شده است، تقسیم می‌نماید؛ سپس این سهام را به منظور فروش آن برای عموم عرضه می‌کند. این عرضه سهام را عرضه عام و اولی می‌نامند؛ اما در صورتی که شرکت از قبل تأسیس شده

باشد؛ یعنی پابرجا باشد، گاهی سهام جدیدی را عرضه می‌نماید، که این عرضه برای افراد محدود؛ مانند سهام‌داران سابق صورت می‌گیرد. این گونه اصدار سهام را عرضه خاص سهام می‌نامند» (برواری، ۲۰۰۲: ۱۰۳). سهامی را که شرکت‌هایی در حال تأسیس صادر می‌کنند، به صورت سهام اسمی، غیر اسمی و سهام قابل تظہیر صادر می‌کنند؛ اما اغلب کشورها فقط اجازه اصدار سهام اسمی را برای شرکت‌ها و مؤسسات می‌دهند.

### مفهوم تداول سهام

تداول مأخوذ از واژه «دول» است و آن به معنای گردیدن و دگرگونی یک حالت به وضعیتی دیگر و دست‌به‌دست شدن چیزی است (مصطفی و دیگران، بی. تا: ۱ / ۳۰۴). به همین معنا خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: «وَتِلْكَ الْأَيَّامُ نَدَاوُلُهَا بَيْنَ النَّاسِ؛ و ما این روزها (ی پیروزی و شکست) را در میان مردم دست‌به‌دست می‌گردانیم» (آل عمران: ۱۴۰).

تداول سهام در اصطلاح قانونی: «به انتقال ملکیت سهام در بین اشخاص سهام‌دار، اطلاق می‌گردد» (خلیل، ۱۴۲۴ هـ: ۶۵)؛ به عبارت دیگر: «به عملیه فروش سهام بعد از اصدار آن اطلاق می‌گردد» (برواری، ۲۰۰۲: ۱۰۴).

قابلیت تداول سهام با روش‌های تجاری از ویژه‌گی‌های اساسی شرکت‌های سهامی است. روش‌های تداول سهام: روش‌های انتقال ملکیت سهام نظر به شکل و ساختار سهام که آیا اسمی یا غیر اسمی یا هم قابل تظہیر است، تفاوت می‌کند. تداول سهام از طریق فروش حصه‌های سهام شرکت توسط سهام‌داران صورت می‌گیرد و ملکیت سهم از فروشنده به خریدار به یکی از روش‌های زیر منتقل می‌گردد.

۱. ثبت یا قید: در صورتی که سهام اسمی باشد، انتقال ملکیت و تنازل از آن، از طریق ثبت و قید آن در پرونده شرکت، صورت می‌گیرد و با همین قید بر عین سهم امضا می‌شود. تنازل از سهم بین متعاقدان با توافق، تمام می‌گردد؛ اما استدلال به وسیله تنازل بر شرکت یا غیر، فقط از تاریخ قید آن در دوسیه شرکت، مجاز می‌باشد؛ پس از تمام شدن قید یا ثبت، متنازل الیه سهام‌دار شرکت شناخته می‌شود؛

۲. حیازت فعلی: هرگاه سهام غیر اسمی باشد، تنازل از آن با تسلیم آن از یک دست‌به‌دست دیگر صورت می‌گیرد؛ یعنی ملکیت سهم به مجرد حیازت فعلی سهم، منتقل می‌گردد؛ زیرا اسم مالک بر سهم نوشته نمی‌باشد؛

۳. ظهرنویسی: هرگاه سهام از نوع امری، یعنی قابل ظهرنویسی باشد، نقل ملکیت سهم به مشتری از طریق نوشتن اسم وی بر پشت سند سهم صورت می‌گیرد و نیازی به رجوع به شرکت ندارد (خلیل، ۱۴۲۴ هـ: ۶۷) و (برواری، ۲۰۰۲: ۱۰۴).

### دیدگاه‌های فقها پیرامون اصدار سهام در بورس

به منظور ارائه حکم شرعی پیرامون اصدار و دادوستد سهام، لازم است؛ چه‌گونه‌گی موضوعیت مسأله از نقطه نظر فقهی مشخص شود، که در اصطلاح بر این امر تکلیف فقهی اطلاق می‌گردد. بادر نظر داشت این که موضوع فعالیت شرکت‌ها و انواع سهامی که توسط آن‌ها صادر می‌شود، مختلف و متفاوت می‌باشد، فقهای معاصر پیرامون اصدار سهام سه دیدگاه دارند، که ذیلاً بدان پرداخته می‌آید:

الف. تحریم مطلق: برخی علمای معاصر، از جمله شیخ تقی‌الدین نهبانی و دکتر عیسی عبده (برواری، ۲۰۰۲: ۱۰۶)، اصدار سهام را به طور مطلق بدون اعتبار تفاوت انواع آن، شرعاً حرام می‌دانند. ایشان برای اثبات صحت دیدگاه شان به دلایلی استناد می‌نمایند، که مهم‌ترین آن‌ها از این قرار است:

۱. سهام، ثمن شرکت را هنگام برآورد و تقدیر آن تمثیل می‌نماید؛ اما در وقت تأسیس شرکت از سرمایه شرکت نماینده‌گی نمی‌کند؛

۲. سهام جزئی از هستی و کیان شرکت است، نه سرمایه آن؛ یعنی در واقع سنداتی است به قدر ارزش دارایی‌ها و اموال شرکت؛

۳. سهام در تمام سال‌ها دارای ارزش یک‌سان نمی‌باشند؛ بنابراین، نمایان‌گر سرمایه شرکت در حین تأسیس آن نه، بل که ممثل سرمایه آن هنگام فروش می‌باشد؛

۴. پس از تأسیس شرکت سهام شباهت با اوراق نقدی دارد؛

۵. شرکت سهامی عقدی باطل است؛ پس هر آن چه از آن منتج و صادر شود، نیز باطل می‌باشد (همان‌جا).

ب. جواز مقید: این دیدگاه بر این است که اصدار سهام تحت شرایط و قیودی که بیان می‌دارند، جایز است. جمهور فقهای معاصر، از این میان محمود شلتوت، عبد الوهاب خلاف، علی خفیف، یوسف قرضاوی، عبد العزیز خیاط و وهبه زحیلی به این نظر قائل‌اند.

- شیخ شلتوت تعامل ربوی با سهام را، فقط به علت ضرورت جایز می‌داند؛

- عبد الوهاب خلاف جواز اصدار سهام را به عدم وجود ربا در آن مشروط می‌داند؛

- شیخ علی خفیف جواز آن را مقید می‌داند به عدم تعارض با اصلی از اصول کلی دین مانند

حرمت ربا و بیع خوک؛

- قرض‌وای عدم اشتغال شرکت بر محظور شرعی، مثل تولید شراب و بیع آن و عدم تعامل با فواید ربوی با قرض‌دادن و قرض‌گرفتن مشروط دانسته است؛

دکتر عبدالعزیز خیاط و وهبه زحیلی اصدار برخی سهام مانند سهام عادی را جایز و اصدار بعضی انواع دیگر آن را مانند سهام ممتاز حرام می‌دانند (برواری، ۲۰۰۲: ۱۰۹)، (زحیلی، ۲۰۱۶: ۳۷۱).

ایشان به دلایلی استناد کرده‌اند که قرار زیر بیان می‌گردد:

۱. تجزیة سرمایه شرکت به اجزای مساوی با توافق شریکان به نحوی که هر شریک مالک جزئی یا اجزائی باشد، که به نام سهام مسما است، در فقه اسلامی جایز است. کاسانی، سهام را بیان می‌کند: «اسم جزء شایع است و آن جزء معلوم از قبیل ثلث، ربع، عشر و امثال آن می‌باشد و بیع ده سهم از صد سهم از یک حویلی، درواقع بیع ده جزء از صد جزء آن می‌باشد و این بیع جزء معلوم از حویلی است» (خیاط، ۱۹۹۴: ۱۶۰).

۲. سهام، حقوقی است برای اصول عینی و نقدی به شکل مشاع؛

۳. سهام شباهت به حصص مضاربت مشترک دارد، که در معرض سود و زیان است. استاد حسن امین بر این است که آمیختن اموال مضاربت با مال مضارب یا مال شخص دیگری به منظور مضاربت جواز دارد و ربیع آن به نسبت اموال تقسیم می‌گردد؛

۴. انطباق اصل اباحت اصلی در اشیا و عقود بر اصدار سهام؛

۵. انطباق قواعد شرکت‌ها در فقه اسلامی بر شرکت سهامی، که سهام را صادر می‌کند؛

۶. تحکیم عرف صحیح معتبر، که با دلیل شرعی در تضاد نیست و انطباق قاعده فقهی: «المعروف عرفا کالمشروط شرطا».

۷. انطباق شروط عقد بر سهام؛ مانند عدم جهالت مفضی به منازعه و عدم غرر (خطر) و استبداد شریک به شریک و ... (خیاط، ۱۹۹۴: ۱۶۰) و (برواری، ۲۰۰۲: ۱۰۷ و ۱۰۸).

ج. جواز مطلق: بعضی علما قائل به جواز اصدار سهام می‌باشند و کدام شرط و قیدی بر این اباحت و جواز بایسته ندانسته‌اند. شیخ محمد عبده، دکتر محمد خالصی و دکتر محمد یوسف موسی از این جمله‌اند (برواری، ۲۰۰۲: ۱۰۸).

دکتر محمد یوسف موسی می‌گوید: «شکی در جواز شرکت سهامی از طریق تملک تعدادی از سهام آن، وجود ندارد؛ زیرا شروط شرعی برای صحت آن در آن کامل است و سهام در سود و زیان شریک است؛ استحقاق ربیع گاهی در بدل عمل و گاهی در بدل مال می‌باشد و در این عملیه چیزی از ربا و شبهه آن وجود ندارد» (به نقل از: شبیر، ۲۰۰۷: ۲۰۳).

شیخ محمد عبده در مورد مشروعیت شرکت سهامی می‌گوید: «ربای حرامی که در آن، کسی که مالی را برای دیگری به منظور بهره‌برداری می‌دهد و از سود آن نصیب معینی را برایش شرط

می‌گذارد، شک ندارد، در این شرکت داخل نیست؛ زیرا مخالفت فقها با شرط نصیب معین از ربح چه کم باشد چه زیاد، این امر را در ربای جلی و مرکب، که ویران‌گر خانه‌ها است، داخل نمی‌گرداند؛ چه این معامله برای هر دو طرف سودمند است؛ اما ربای جلی برای یک طرف که تقصیری جز اضطرار، ندارد، زیان‌آور است و برای طرف دیگر که کاری نکرده، جز این‌که سنگ‌دل و پرطمع است، سودبخش است؛ بنابراین، ممکن نیست که حکم هر دو گونه ربا در میزان عدل الهی یکی باشد» (به نقل از: خیاط، ۱۹۹۴: ۱۵۴).

طرف‌داران نظر جواز مطلق، در واقع به اطلاق همان دلایلی استدلال نموده‌اند، که قائلان به جواز مقید استناد می‌نمایند، که ذیل دیدگاه دوم ذکر گردید. هم‌چنان که نقل گردید، بعضی از آنان وجود ربا را یا اصلاً انکار کرده‌اند یا هم ربا را به دو گونه جلی و خفی تقسیم نموده‌اند و وجود ربا را در این تعاملات خفی دانسته‌اند و ربای خفی از نظر اینان به علت مصلحت راجح جواز دارد، یا هم وجود ربا را در معاملات سهام بر اساس قاعده «الضرورات تبیح المحظورات» به جهت ضرورت مباح دانسته‌اند. شماری هم اشتراط نصیب معینی را از ربح شرکت برای صاحب سهم، جایز می‌دانند و این‌که فقها شایع بودن ربح را شرط صحت در شرکت‌ها دانسته‌اند، غیرقابل قبول و غیر مبتنی بر دلیلی از کتاب و سنت دانسته‌اند (خیاط، ۱۹۹۴: ۱۶۷ - ۱۶۸).

### مناقشه دیدگاه‌ها در مورد اصدار سهام و ترجیح نظر صایب

دیدگاه نخست، که اصدار سهام را به‌طور مطلق حرام می‌داند، برای جمهور فقهای معاصر مورد پذیرش نبوده و سخت مورد انتقاد و مناقشه قرار گرفته است، که بدان می‌پردازیم:

دیدگاه عدم جواز اصدار سهام بر قول به بطلان شرکت سهامی مبتنی است؛ بنابراین، آن‌چه از باطل سرچشمه گیرد، خود باطل است؛ اما این نظر بر تحقیق و تدقیق در مورد واقعیت سهام، استوار نمی‌باشد؛ چه اگر اصدار برخی سهام مانند سهام ممتاز حرام باشد، برخ دیگر مانند سهام عادی چنین نمی‌باشد و در اصدار آن اشکال شرعی وجود ندارد.

از طرف دیگر، قول به بطلان مطلق شرکت سهامی اصلاً صحیح نمی‌باشد؛ زیرا ارکان شرکت، یعنی ایجاب و قبول در این نوع شرکت به وجه کامل موجود است؛ بدین صورت که عرضه سهام از سوی شرکت برای متقاضیان، ایجاب است و اقدام متقاضیان برای خرید سهام، قبول محسوب می‌شود. هم‌چنان عنصر شخصی در آن ثابت است؛ زیرا سهام‌داران از میان‌شان هیئت مدیره‌یی را که در اداره شرکت و نظارت بر امور آن از آن‌ها نماینده‌گی می‌نماید، انتخاب می‌نمایند؛ برعلاوه، وجود بودن از نظر فقه اسلامی در برخی انواع شرکت‌ها مانند مضاربت شرط صحت نمی‌باشد.

هرچند در آغاز، سهم ممثل سرمایه پرداخت شده است، منتها پس از آن از سرمایه اصلی شرکت یکجا با سرمایه احتیاطی و دارایی‌های شرکت نماینده‌گی می‌نماید. در زیادشدن سرمایه شرکت از فواید شرکت مانع شرعی وجود ندارد؛ بل که این امر در عرف بازرگانان امری طبیعی و معمول است و عرف تجار در امر شرکت‌ها حکم (داور) است؛ به همین گونه صاحبان این دیدگاه معاملات سندات را، که متضمن مبالغ مال حلال (اوراق نقدی) است، جایز می‌دانند؛ درحالی که اوراق نقدی در معرض زیادت و نقصان قرار دارد؛ پس چگونه تعامل با این سندات را جایز و تعامل با سهام را حرام می‌دانند؟! (شبیبر، ۲۰۰۷: ۲۰۴ - ۲۰۵) و (خیاط، ۱۹۹۴: ۲ / ۱۸۸ - ۱۸۹).

اما نظر کسانی که اصدار سهام را مطلق جایز می‌دانند، نیز قابل نقد است. توصیف ربا به جلی و خفی و تحریم جلی و اباحت خفی به علت ضرورت امری است که با معنای ربای فضل یا نسیئه درست در نمی‌آید؛ ربا هر زیادتی است که در عقد معاوضه بدون عوض برای یکی از طرفین شرط شده باشد، یا زیادتی است که در مقابل اجل باشد و نص به تحریم ربا به هر دو معنا وارد شده است؛ بر علاوه، ربای حرام لذاته قابل تعلیل (تشخیص علت تحریم) نیست؛ چه در صورتی که تعلیل شود، پس محرم لذاته نمی‌باشد؛ بل که به جهت علت حرام خواهد بود و اگر علت منتفی شود، حرمت هم منتفی می‌شود و کسی به انتفای حرمت ربا قائل نیست! پس ربا خواه معلل باشد، خواه غیر معلل و چه مولد نفع یا زیان باشد، به نص حرام است؛ اما تعلیل تحریم ربا به تخریب خانه‌ها صحیح نیست؛ زیرا منع تخریب خانه‌ها حکمت تحریم ربا است نه علت آن و بین حکمت و علت فرق است؛ پس خواه حکمت آن متحقق شود یا نشود، ربا حرام است و فرقی در این راستا بین حرام لذاته و لغیره وجود ندارد.

همین گونه استناد به قاعده اضطرار برای جواز فایده در تعامل ربوی، ادعای نادرست و باطل است؛ زیرا نص در اباحت حالت اضطرار در آیات متعدد قرآن کریم همه بر اباحت خوردن مطعومات حرام در حالت اضطرار است که در آن ترس هلاکت انسان از گرسنه‌گی یا تشنه‌گی است...؛ اگر به قاعده توسع در ضرورت اعتماد کنیم و حکم نص را به غیر طعام نیز متعدی بسازیم، در آن صورت مفهوم ضرورت به معنای شرعی‌اش در تعامل ربوی شرکت‌ها وجود ندارد! یا؛ چه ضرورتی است که با آن انسان برای هلاکت نفس خویش خوف داشته باشد، تا بدین جهت از طریق ربا مال به دست آورد؟! این در حالی است که کسانی که ربا را به جهت ضرورت مباح دانسته‌اند این اباحت را به مؤسسات عام‌المنفعه و یا به خاطر ضرورت اقتصاد کشورها قائل‌اند و خیلی بعید است که در این حالت ضرورت شدید تحقق یابد؛ زیرا اضطرار مهلک برای افراد قابل تصور است نه مؤسسات و شرکت‌های عامه؛ با آن هم به عوض اصدار سندات مشتمل بر ربا، راه دیگری نیز می‌باشد و آن اصدار سهامی است که صاحبان آن در ربح و خسارت شریک باشند یا هم دولت به جزئی از مال از طریق اقتصاد مختلط

سهیم شود تا شرکتی را که استمرار و بقای آن را برای حیات اقتصاد ملت ضروری می‌داند، نجات دهد، پس هیچ نیاز و ضرورتی به اعتماد و تکیه به ربا وجود ندارد (خیاط، ۱۹۹۴: ۱۶۸ - ۱۷۲).

با در نظر داشت دیدگاه‌ها و دلایلی که در مورد هر یک ارائه گردید و پس از مناقشه دلایل قائلان به جواز مطلق و تحریم مطلق، دیدگاه کسانی که اصدار سهام را تحت شروط و قیودی مباح می‌دانند، رجحان دارد.

قول به عدم جواز به طور مطلق صحیح نمی‌باشد؛ چه اصل در عقود و شروط بنا بر نظر راجح، اباحت است، مادامی که دلیل شرعی و صحیح از کتاب، سنت و اجماع بر حرمت آن وجود نداشته باشد که اصدار سهام در شرکت‌های سهامی فی‌الجمله مانع شرعی وجود ندارد؛ مشروط بر این که سبب و موضوع فعالیت شرکت شرعاً حلال و مباح باشد، نیز سهامی که صادر می‌شود، از نوع سهامی نباشد که متضمن ربا و غرر و جهالت باشد؛ به همین گونه نظر کسانی که قائل به اباحت مطلق اصدار سهام می‌باشند، نیز صحت ندارد؛ زیرا واقعیت معاملات و تعاملات شرکت‌های سهامی بیان گر وجود ربا در آن و معاملات غیر مشروع می‌باشد که با نصوص شرعی کاملاً در تضاد و تناقض است.

از محققان معاصر دکتر عثمان شبیر (۲۰۰۷: ۲۰۴)، محمد عبیدالله عتیقی (۱۹۹۶: ۲۲۴)، محمد رواس قلجی (۲۰۰۲: ۵۸ و ۵۹) و شعبان برواری (۲۰۰۲: ۲ / ۱۰۹) قائل به جواز اصدار و تداول سهام‌اند، با قیود و شروطی شبیه شروطی که صاحبان دیدگاه جواز مقید ارائه داشته‌اند. شروطی را که علما برای جواز اصدار و تداول سهام بیان داشته‌اند، همه را می‌توان در دو مورد خلاصه نمود؛ چنان که شیخ برواری بعد از بیان دیدگاه راجح می‌گوید: جواز اصدار سهام موقوف بر توافر دو امر است:

۱. میدان اعمال و فعالیت شرکت: مثل عدم تعامل با فواید ربوی و عدم اشتغال شرکت بر اعمال حرام؛ مانند شرکت‌های تولید و فروش شراب؛
۲. طبیعت سهام از لحاظ ضمان، برتری و تقیید (برواری، ۲۰۰۲: ۲ / ۱۰۹).

بدین صورت شرکت‌هایی که معاملات ربوی انجام می‌دهند؛ مانند کسب فواید از طریق قرض دادن و قرض گرفتن یا موضوع نشاط و فعالیت آن‌ها تولید و فروش اشیای حرام است؛ مانند شراب و مخدرات و دیگر اشیای حرام، سهامی که این شرکت‌ها صادر می‌کنند، حرام است؛ زیرا منشأ آن حرام است؛ بنابراین، شریک شدن در این گونه شرکت‌ها از طریق تملک سهام صادرشده آن و نیز تداول و خریدوفروش آن‌ها حرام است؛ به همین گونه اگر موضوع فعالیت شرکت مشروع و حلال باشد؛ اما سهامی که صادر می‌شود، از لحاظ طبیعت خود اشکال شرعی داشته باشد؛ مانند سهام ممتاز، که متضمن ربا است و سهام حامل که مالک آن به نحوی مجهول است، یا سهام مضمون، که قیمت

اسمی آن از سوی شرکت تضمین شده و نیز سهام بهره به علت متضمن بودن ربا، اصدار و دادوستد و خریدوفروش این گونه سهام جواز ندارد.

### دیدگاه فقها پیرامون تداول سهام

مفهوم تداول سهام پیش از این واضح گردید. در مورد خریدوفروش سهام و انتقال مالکیت سهام از یک شخص به شخص دیگر فقهای معاصر دو دیدگاه دارند، که به گونه کوتاه با دلایل ذکر می‌گردد:  
الف. جمهور فقهای معاصر قائل به جواز تداول سهام از طریق خریدوفروش آن‌ها می‌باشند. ایشان به دلایل ذیل استناد می‌نمایند:

۱. سهام سهام‌دار ملکیت خاص اوست؛ پس وی حق تمام انواع تصرف از قبیل بیع، هبه و رهن را دارد، مشروط بر این که به سایر شریکان زیان نرسد؛ برعلاوه، حق تصرف در قانون شرکت‌ها مشروط است و در عرف تجاری هم معمول است و برحسب قاعده «المعروف عرفا کالمشروط شرط» شرط معتبر است؛

۲. سهام سندی است دال بر قیمت حصه سهام‌دار؛ بنابراین، سهام‌دار می‌تواند آن را بر شریک و شخص دیگری بفروشد. فقها تصریح نمودند که شریک می‌تواند حصه خود را به فروش رساند و در صورت اختلاط مال، فروش آن به اجازه شریک جایز است؛

۳. بیع حصه شایع و غیر مفرز (جدانشده) یا غیر محدد در ملکیت بعضی اصول (اشیا) جایز است؛ چنان که ابن رجب در قواعد خود بر این تصریح نموده است؛

۴. سهام‌دار می‌تواند حصه خود را درحالی که قبض نشده است، بفروشد. در کتاب «مجموع» می‌آورد: «هرگاه با شریکش تقسیم کند، آن چه حق او شده، می‌تواند قبل از قبضش، آن را بفروشد. مبنای این حکم، بر این است که تقسیم یا بیع است یا افراز. متولی گفته است: اگر بگوییم: تقسیم افراز است، فروختن آن قبل از قبض از دست شریکش، جایز است» منبع؛ اما در سهام، مشتری با تسلیم شدن سهام، حصه خود را قبض می‌کند، برحسب قاعده: «إن قبض کل شیء بحسبه؛ قبض هر چیزی برحسب خودش است»؛

۵. جهالت و غرر که مفسد معامله سهام است، منتفی است؛ زیرا موقوف و مرکز مالی شرکت معلوم است و نیز مشتری به قیمت سهام علم کافی دارد و این برای صحت بیع کافی است؛

۶. قیاس بیع سهام بر مخارجۀ وارث از ترکه به نحوی که خروج سهام‌دار با سهمش از شرکت، حکم خروج وارث را با سهمش از ترکه دارد، برابر است که با لفظ صلح باشد یا بیع؛

۷. بیع سهام جایز است؛ به دلیل عموم نصی که دلالت بر جواز بیع دارد؛ یعنی: «واحل الله البیع و حرم الربا؛ و خداوند خریدوفروش را حلال کرده است و ربا را حرام کرده است» (بقره: ۲۷۵).



مخصصی برای این نص وجود ندارد. دلیل دیگر قاعده: «الأصل فی العقود، الإباحة إلا ما دل الشرع علی تحریمه؛ اصل در عقدها اباحت است؛ مگر آن چه شریعت بر حرمت آن دلالت کند»؛

۸. بیع سهام از طرف یک سهامدار سبب فسخ شرکت نیست؛ زیرا شریکان در شرکت سهامی مطابق قانون بر ادخال شرکای جدید راضی و موافق اند، بدون این که معرفت آنان شرط باشد و رضا در عقود و شروط اصل و اساس است؛ زیرا خداوند متعال می فرماید: «إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ مِنْكُمْ؛ مگر این که (تصرف شما در اموال دیگران از طریق) داد و ستدی باشد که از رضایت (باطنی دو طرف) سرچشمه بگیرد» (نساء: ۲۹) و (برواری، ۲۰۰۲: ۱۱۱ - ۱۱۲).

ب. برخی فقها از جمله شیخ تقی الدین نیهانی بر این نظراند که خرید و فروش و تداول سهام جواز ندارد و به دلایلی نیز استدلال نمودند؛ از جمله:

۱. تفاوت قیمت بازاری سهام از نگاه کاهش و افزایش؛
۲. وجود جهالت و غرر؛
۳. تداول سهام متضمن بیع جنس ربوی با جنسش به تفاضل است؛
۴. فقها تصریح کردند که موت شریک و نیز بیع حصه شریک برای شخص دیگر، سبب فسخ شرکت می شود؛ زیرا شرکت بر معرفت شرکا مبتنی است (همان جا).

### مناقشه دیدگاه های پیرامون تداول سهام و تبیین نظر صایب

نظریه عدم جواز تداول سهام صحیح نیست؛ زیرا مبتنی بر دلایل مسلم نبوده؛ بل که قابل نقد و مناقشه است، بدین صورت که بلندرفتن و پایین آمدن قیمت سهام در بازار امری طبیعی است و مبتنی بر عرضه و تقاضا می باشد و هیچ خللی در نقل ملکیت سهام به اسباب متعددی، وارد نمی کند. جهالت و غرر نیز در تداول سهام منتفی است؛ زیرا مرکز مالی شرکت و نیز قیمت سهام برای مشتری معلوم است؛ اما ادعای وجود ربا در تداول سهام نیز منتفی است؛ زیرا هرگاه تداول سهام متضمن بیع اجناس ربوی باشد، شروط شرعی بایسته است؛ یعنی اگر جنس متحد باشد، تساوی و تنجیز و قبض بدون تأخیر شرط است و اگر اختلاف جنس موجود باشد، تساوی بدلیین شرط نیست؛ بلکه تنجیز و قبض بدون تأخیر شرط است و این شرطها، وجود ربا در تداول سهام را منتفی می سازد؛ اما ادعای این که بیع سهام سبب فسخ شرکت می شود، نیز نادرست است؛ چه شریکان برحسب قانون شرکتها به ورود شرکای جدید بدون اشتراط معرفت با آنها رضایت و توافق دارند و این از فسخ شرکت منع می نماید؛ چه اصل در شروط رضا مگر این که شرطی باشد که حلال را حرام یا حرام را حلال گرداند.

## نتیجه گیری

یافته‌های این مقاله، قرار زیر ارائه می‌گردند:

۱. شریعت اسلامی مخالف فراهم‌آوری نیازها و مقتضیات زنده‌گی بشری امروزی، که نیازمند ایجاد مؤسسات و شرکت‌های تولیدی و خدماتی بسی وسیع و بزرگ با اموال و سرمایه‌های هنگفت و زیادی مانند شرکت سهامی است، نیست؛
۲. در صورتی که اصدار سهام و نقل ملکیت سهام به روش‌های موجود، متضمن وجود مبادلات ربوی و نیز مخاطره و جهالت، نباشد، مانع و اشکال شرعی در این امر دیده نمی‌شود، مشروط بر این که فعالیت و اعمال شرکت در اصل مشروع باشد؛
۳. نظریه جواز مطلق معاملات سهام در فقه اسلامی قابل پذیرش نیست؛ زیرا از یک سو در تضاد با برخی نصوص قطعی شرع قرار دارد و از طرفی با قواعد مستنبطه فقهای پیشین جور در نمی‌آید و توازن اقتصادی جامعه را برهم می‌زند؛ چه متضمن تعاملات ربوی است؛
۴. نظریه تحریم مطلق شرکت‌های سهامی و خریدوفروش سهام، نیز قابل قبول نمی‌باشد؛ زیرا این نظریه مانع تحقق مصالح و نیازهای حیات انسانی می‌گردد و مردم را در حرج و تنگنا قرار می‌دهد که از نظر شریعت مردود است؛ هم‌چنان باعث رکود و جمود سرمایه‌ها می‌گردد؛
۵. نظریه‌یی که می‌تواند در این مورد، فقه اسلامی را آیین‌داری کند، جواز اصدار و انتقال ملکیت سهام تحت شروط و قیودی است که فقها آن را ارائه کرده‌اند و در این نوشته بدان پرداخته شده است؛

۶. دیدگاه‌های فقهی معاصر می‌رساند که فقه اسلامی پویایی و انعطاف‌پذیری کافی را برای حل مسایل جدید داراست. البته فقهای معاصر پیرامون معاملات مالی معاصر از جمله دادوستد سهام، اجتهادات و تحقیقاتی چشم‌گیری انجام داده‌اند؛ اما این بسنده نیست و نیاز به توسعه و تجدید هرچه بیش تر فقه پیشینیان و ایجاد نظریه‌های فقهی نوین با دایره وسیع و بزرگ وجود دارد، تا احکام وقایع تازه را تبیین کند.

## سرچشمه‌ها

۱. قرآن کریم.
۲. ابن عابدین، محمدامین. (۱۴۱۲ هـ - ۱۹۹۲ م). *رد المحتار علی الدر المختار*. چاپ دوم. بیروت: دار الفکر.
۳. برواری، شعبان محمد اسلام. (۱۴۲۳ هـ - ۲۰۰۲ م). *بورصة الأوراق المالية من منظور إسلامی*. چاپ نخست. دمشق: دار الفکر.

۴. خرم دل، مصطفی. (۱۳۸۴ ش). تفسیر نور. چاپ چهارم. تهران: نشر احسان.
۵. خلیل، احمد بن محمد. (۱۴۲۴ هـ). **الأسهم والسندات وأحكامها في الفقه الإسلامي**. چاپ نخست. ریاض: دار ابن الجوزی.
۶. خیاط، عبدالعزیز. (۱۴۱۴ هـ - ۱۹۹۴ م). **الشركات في الشريعة الإسلامية والقانون الوضعي**. چاپ چهارم. بیروت: مؤسسة الرساله.
۷. رضا، غنی طبع. (۱۳۹۸ ش). **أشنایی با بازارهای مالی جهانی**. چاپ اول. قم: انتشارات امام همام.
۸. زحیلی، وهبه. (۱۴۲۷ هـ - ۲۰۰۶ م). **المعاملات المالية المعاصرة**. چاپ سوم. دمشق: دارالفکر.
۹. سنسیر، مایکل. (۲۰۱۶ م). فهم الأسهم. بی جا: کتابخانه جریبر.
۱۰. شبیر، محمد عثمان. (۱۴۲۷ هـ - ۲۰۰۷ م). **المعاملات المالية المعاصرة في الفقه الإسلامي**. چاپ ششم. عمان: دار النفايس.
۱۱. عتیقی، محمد عبدالله. (۱۴۱۷ هـ - ۱۹۹۶ م). **عقود الشركات**. چاپ نخست. کویت: کتابخانه ابن کثیر.
۱۲. فیروزآبادی، محمد بن یعقوب. (۱۴۲۶ هـ - ۲۰۰۵ م). **القاموس المحيط**. تحقیق: دفتر ت تحقیق التراث در مؤسسة الرساله. تحت نظارت محمد نعیم عرقسوسی. چاپ هشتم. بیروت: مؤسسة الرساله.
۱۳. قلجی، محمد رواس؛ قینی، حامد صادق. (۱۴۰۸ هـ - ۱۹۸۸ م). **معجم لغة الفقهاء**. چاپ هشتم. بیروت: دار النفايس.
۱۴. قلجی، محمد رواس. (۱۴۲۳ هـ - ۲۰۰۲ م). **المعاملات المالية المعاصرة في ضوء الفقه والشريعة**. چاپ دوم. بیروت: دار النفايس.
۱۵. کاسانی، علاءالدین. (۱۴۰۶ هـ - ۱۹۸۶ م). **بدائع الصنائع فی ترتیب الشرائع**. چاپ دوم. بیروت: دار الکتب العلمیه.
۱۶. مصطفی، ابراهیم و دیگران. (بی. تا). **المعجم الوسيط**. بی جا: دار الدعوه.

